

نقش دانش فقه امامیه در باروری تمدن اسلامی

نقش دانش فقه امامیه در باروری تمدن اسلامی

مهدی عبیدی

کارشناس ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی و ارشد مطالعات اسلامی به زبان فرانسه. (مؤسسه زبان و فرهنگ شناسی جامعه المصطفی).

چکیده:

علم فقه که همان دانش احکام شرعی یا مجموعه مسائلی در باره این احکام به شمار میرود، از منظر اندیشمندان امامیه، در همه ارکان جامعه ورود میکند و این احکام انسان را به نمو و رشد حقیقی در جامعه میرساند و برای تحقق این هدف، جامعه بشری، نیازمند تشکیل حکومتی است تا در سایه آن آموزش و آگاهی و پرورش مردم و رسیدن به آرمان گرایی و تقید به اصول و مبانی دینی انجام پذیرد و از این طریق است که یک تمدن الهی و انسانی را روی زمین برای بشریت بنا میکند و این همان نقش فقه تمدن ساز اسلامی است. این نقش، بسیار حساس تر از دیگر علوم است. پرسش اصلی این پژوهش، آن است که نقش فقه امامیه در باروری تمدن اسلامی چیست و در این خصوص چه کسانی سهم قابل توجهی داشته اند؟

مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی- توصیفی به بررسی این نقش مهم میپردازد.

یافته های این پژوهش نشان میدهد که حضور و میدان داری فقه به ویژه فقه شیعی در باروری تمدن

اسلامی ضروری است. حتی می‌توان با فقه امامیه تمدنی اسلامی را بنا کرد، این دانش را که به وسیله امام باقر و امام صادق (ع) شکوفان شد سپس توسط فقهای همچون سید مرتضی (ره)، ابن ادریس (ره) و شیخ طوسی (ره) گسترش و توسعه دادند و در عرصه فقه شیعه بر بنای تمدن اسلامی افزودند.

در این مقاله ضمن تبیین این یافته ها، به بررسی موانع تحقق تمدن نوین اسلامی، با تأکید بر رویکرد تطبیقی، آموزه های دینی مبادرت شده است و مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: اندیشمندان دینی، امامیه، فقه، تمدن اسلامی.

مقدمه

قال الله التبارک وتعالی فی قرآن الکریم: « یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات والله بما تعملون خبیر » (سوره مجادله، آیه 11)

با نگاهی گذرا و سطحی به منابع دینی، به ویژه آیات قرآنی و روایات میتوان دریافت که پروردگار و معصومین (علیهم السلام)، همواره، نه فقط مؤمنان، بلکه همه مردم حتی کافران و پیروان ادیان غیر اسلام را به یادگیری دانش دعوت میکند؛ تا آنجایی که دانش، بهترین سرمایه ای است که نصیب افراد میشود.

در این میان در بین دانش های اسلامی دانش فقه که قسمت اعظم دستوراتش به تنظیم ارتباط افراد با جامعه ارتباط دارد دارای نقشی کاربردی در باروری تمدن اسلامی است. زیرا سرچشمه این احکام در درجه نخست از قرآن و اخبار معصومین (سلام الله علیهم) میباشد.

قرآن کریم با اشمال حدود پانصد آیه که از آنها به « آیات الأحکام » تعبیر میشود، کلیات احکام زندگی را بیان کرده بعد از رحلت رسول خدا و گسترش جامعه اسلامی و پدید آمدن نیازمندی های جدید و بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی طبق عقیده شیعه دو مرجع دیگر یعنی عقل و اجماع نیز به آن

افزوده شد، در نتیجه فقهای امامیه با مراجعه، به این منابع، احکام زندگی را استخراج کرده و نیازمندی های فقهی - حقوقی جامعه را از این رهگذر رفع مینمودند. (قریانی، 1385: 178) این دانش نیز در طول تاریخ بخصوص در قرون اخیر دارای نقش به سزایی در گسترش تمدن اسلامی بوده است. زیرا تمدن اسلامی نیز از ضرورت استخراج راه زندگی از منابعی همچون عقل و وحی سخن به میان آورده و با وساطت دانش فقه رویکردی عقلانی، به خود گرفته است.

آنچه در این پژوهش مورد نظر است، بررسی نقش فقه امامیه در باروری تمدن اسلامی است. در این جا سه سؤال اساسی وجود دارد:

1. مقصود از واژه های تمدن و فقه در لغت و اصطلاح چیست؟

2. نقش فقه امامیه در باروری و گسترش تمدن اسلامی چیست و چه فقهای در این زمینه دارای نقشی اساسی بودند؟

3. موانع تحقق تمدن نوین اسلامی چیست؟

مفهوم شناسی

1. تمدن

واژه تمدن در لغت مصدر عربی بوده از ریشه «مدن» هم خانواده مدینه معنای انتساب و استناد دارد (ابن منظور، 1424، ج4: 197) و همچنین به معنی شهرنشین شدن، خوی شهر گزیدن و به اخلاق مردم شهر آشنا و آراسته شدن آمده است (عمید، 1388: 306)

برای تمدن تعاریف مختلفی بیان شده است زیرا به جهت نگرشهای افراد و ظرفیتی که این واژه داشته واز همه مهم تر به جهت دیدگاههای مختلف اندیشمندان اسلامی و غربی در تعریف این واژه در علوم مختلف تعاریف متعددی برای آن ذکر شده است. در واقع هر اندیشمندی از زاویه دید خود به تمدن نگریسته و به جنبه های آن پرداخته است. (نزد غربی معنا بگو علامه جعفری (ره) در تعریفش از تمدن

میگوید: «تشکل انسانها با روابط عالی و اشتراک انسانها و گروههای جامعه در پیشبرد اهداف برای رسیدن به حیات معقول که به فعلیت رسیدن همه استعدادهای انسانی در آن حیات است را تمدن میدانند» (جعفری، 1359، ج 5: 161) (نزد چند علم معنایش بگو) علاوه بر آن برخی نیز بین تمدن به معنای مضیق و محدود و تمدن به معنای کلی و وسیع آن تفاوت قائل شده اند. در این راستا تمدن به معنای مضیق را افزایش صورت مادی تمدن دانسته اند و تمدن به معنای موسع را علاوه بر رفاه مادی آن را شامل معرفت و پرورش فضیلت و روح انسانی میدانند. (یوکیچی، 1379: 120-118) به عبارت دیگر یعنی برای تمدن دو جنبه مادی و معنوی قائل است که در واقع بعد معنوی و روحی به مثابه زیر بنای تحقق تمدن است که بدون آن تکمیل نخواهد شد.

ولی بهر حال تعریف اصلی تمدن بدین نحو است که پذیرش نظم در جامعه و خروج از رکود و جمود و گام نهادن و ورود در مسیر پیشرفت و تعالی است. به عبارتی در واقع تمدن همان خروج از مرحله بادیه نشینی و بیابان گردی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شدن اجتماعی است. (ولایتی، 1384: 19)

2. فقه

واژه فقه، به معنای فهم و درک و فهم عمیق است. ابن فارس، 1404، ج 4: 442) در اصطلاح نیز به معنای هو العلم بالاحکام الشرعیه الفرعیه عن ادلتها التفصیلیه است (قمی، بی تا: 5)

مراد از فقه در محاورات سه دهه کشورها گاهی فقه به معنای شریعت است؛ و شریعت بخشی از گزاره های دین است که فقیهان از آن به عنوان احکام پنج گانه یاد میکنند فقه یعنی شریعت و شریعت همان احکام است. ولی گاهی فقه اطلاق میشود به دانشی که مجموعه مسائل یا دانشی است که کاشف از شریعت است.

یا گاهی عملیات یعنی عملیاتی که میخواهد کاشف از شریعت باشد و گاهی فقه عملیات استباط است که در واقع در این هنگام در جستجوی آن هستیم که شریعت را کاشف و فقه را مکشوف فرض کنیم اما به سبب تعدد فقه الزاما فقه کاشف نیست. به نظر میرسد که شریعت محصول الهی بوده اما فقه دانش بشری است.

با توجه مطالبی که بیان شد اولاً: مراد از فقه در مقاله حاضر آن دانش و مجموعه مسائلی است که کاشف از شریعت است. ثانیاً: مرادمان از فقه، فقه امامیه است نه فقه شیعه، زیرا تعبیر فقه شیعه از قبیل مقوله به تشکیک است و ممکن است مراد از آن فقه یک امامیه یا چند امامیه و غیره باشد لذا تعبیر امامیه بهتر است که شامل شیعه دوازده امامیه باشد.

3. نقش فقه امامیه در تمدن اسلام

فقه اسلامی به وسیله امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) شکوفان شد. (قربانی، 1385: 177) زیرا این دو امام هم از نزاعی که میان بنی امیه و مخالفانش بر سر به قدرت رسیدن وجود داشته استفاده کرده به تربیت شاگردان و تعلیم مبانی اعتقادی پرداختند. اما با توجه به اینکه فقاقت به طور مبنایی به اصول بستگی دارد؛ لذا ائمه علیهم السلام به ویژه این دو امام با تدریس این اصول، شاگردان خود را امر کردند که در مسجد نشسته و اهل فتوا شوند. از طرفی دیگر، مردم زیادی را به آنان ارجاع میدادند و بدین جهت دانش فقه را توسعه و گسترش دادند. (اردبیلی، جامع ارواه) همچنین دانش فقه مبتنی بر علم اصول، پس از دوره غیبت صغری تا کنون حیات مستمر داشته و در مجموع یک روند تکاملی را طی کرده است. (مطهری، 1362: 500-501) در اینجا به تنها برخی از فقهاء و اعظم بزرگ شیعه از جمله علامه سید مرتضی (ره) و شیخ طوسی (ره) و ابن ادریس (ره) که در این سیر صعودی نقش و تأثیر به سزایی داشته اند اشاره شده، سپس به نقش امام خمینی (ره) که خود از فقهای برجسته معاصر حوزه قم و نجف بودند، نیز در این باره اشاره خواهد شد.

1. سید مرتضی

از جمله فقهای عالی مقام شیعه که هنوز آراء فقهی و کتب نفیستان راهنمای جهان اسلام است. سید مرتضی معروف به علم الهدی است. علامه حلی او را معلم شیعه خوانده است. وی در تمامی دانش های اسلامی از معقول و منقول نه تنها دارای تخصص بود بلکه به مقام عالی استادی رسید و در باروری تمدن اسلامی و سیر صعودی آن دارای نقش و تأثیر به سزایی بود. (کاشفی، 1387: 119) زیرا ایشان دارای شاگردان برجسته و تألیفات گرانسگی بود.

بسیاری از مفاخر دانشمندان، فقیهان و متکلمان شیعه و حتی اندیشمندان اهل سنت از شاگردان ایشان بوده اند که سرآمد آنان محمد بن حسن طوسی (معروف به شیخ طوسی) است. او دارای تالیفات فراوانی در زمینه های مختلف است که از جمله آثار ایشان میتوان به کتبی همچون مصباح، انتصار، الذریعه الی الاصول الشیعه و مسائل الخلاف و مسایل ناصریه در فقه اشاره کرد. (مطهری، 1362: 483)

شیخ طوسي معروف به شیخ الطائفة (م 460) از بزرگترین فقیهان و متکلمان عصر خود بوده است. که پس از استادش علامه سید مرتضی (ره) ریاست علمی و فکری و فتوایی شیعه بر عهده او بود. این عالم بزرگوار حوزه علمیه نجف را تأسیس کرد؛ حوزه مقدسی که پس از عمر نهصد ساله خود، هزاران فقیه نامدار را به جامعه بشری هدیه کرد (همان منبع: 484). ایشان نه تنها با این کار موجب احیاء شیعه شد بلکه تا سالیان درازی موجب گسترش و تقویت تمدن نوین اسلامی شد. زیرا ایشان با تالیف المبسوط و نشان دادن راه اجتهاد در مسائل محدثه گسترش دهنده شیوه ای جدید در فقه امامیه بود و به عبارتی ایشان مبدع عصر علمی پیشرفت شیعه در فقه بود که تا به امروز ادامه داشته و دارای روند رو به رشدی بوده است.

3. محمد بن احمد ابن ادریس (م 598 ق)

محمد بن احمد ابن ادریس (معروف به ابن ادریس) که به تعبیر مرحوم علامه علی دوانی (ره) ایشان به آزادی فکر معروف است. (دوانی، 1363؛ ج 4: 11-21) و با تالیف کتبی گرانسنگ همچون السرائر کار با ارزشی را انجام داد و به معنای واقعی ادامه دهنده راه شیخ طوسي (ره) بود.

4. امام خمینی (ره)

فقه امامیه با ظهور فقیهانی همچون محقق حلی (ره)، شهید اول و ثانی (ره)، علامه مجدد وحید بهبهانی (ره) و مرحوم شیخ محد حسن نجفی (ره) صاحب کتاب شریف جواهر و شیخ انصاری (ره) سیر تکاملی خویش را ادامه داده است اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) موجب گردید که نه تنها شیعه بلکه مسلمانان دنیا امیدوار شوند و از حصارهای اسارت آور بیرون آیند (گلی زواره، 1385: 209) و ماهیت اسلامی این انقلاب سبب گردید تا ایرانی با نیرویی معنوی به دانش و معرفت روی آورد و چنان در تمدن اسلامی تأثیر گذاشت که انشاالله قرن ها آسیا و آفریقا از نظر فکری و معنوی تغذیه گردد.

در این میان امام خمینی (ره) به عنوان یک اسلام شناس استاندارد، ضمن تأکید بر حفظ اجتهاد سنتی،

بر نقش عنصر زمان و مکان به صورت اساسی تر و بنیادی تر در فرایند اجتهاد پرداختند و این حرکت آغاز گر راهی برای گسترش و تکامل فقه امامیه و باروری تمدن اسلامی بود.

در پایان ضمن تأکید بر نقش فقه امامیه در باروری تمدن اسلامی نباید از نقش سایر دانش های کاربردی همچون ادبیات عرب و علوم حدیثی و تفسیر و هنر و حتی فقه اهل سنت نیز غافل بود. زیرا فقه اهل سنت با چهار مذهب خود یعنی حنبلی و مالکی و شافعی و حنفی دارای نقش کاربردی و مهمی در تمدن نوین اسلامی بوده است.

موانع تحقق تمدن نوین اسلامی

در هر حوزه ای آسیب ها و موانعی وجود دارد. تمدن نوین اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست ؛ که در ادامه تنها به برخی از موانع خواهیم پرداخت.

۱. اختلافات

یکی از مهم ترین موانع تحقق تمدن سازی اسلامی ، اختلافات است. زیرا اختلافات به طور کلی چه در سطح داخلی و خارجی ، چه مذهبی و یا قومیتی باشد سبب عدم ایجاد وحدت و یکپارچگی است و اختلافات همواره عامل عدم پیشرفت جوامع اسلامی بوده است.

در بحث ایجاد همبستگی در جامعه و عبور از روحیه قبیله ای ، امام خمینی (ره) بحث «وحدت کلمه» را مطرح کرده که در ایجاد یک نیروی واحد در جامعه برای رسیدن به تمدن از قابلیت بالایی برخوردار است. از سوی دیگر مذهب شیعه امامیه و قوانین بر این باورند که باید حضور پیروان سایر ادیان در جامعه به صورت مسالمت آمیز باشد.

2. ترویج زندگی غربی

رشد علم و ثبت اختراعات و دانش افزایی، بخش عمده و مؤثری در ایجاد تمدن سازی نوین اسلامی دارد اما تنها این عامل مؤثر نیست بلکه اموری واقعی که به متن زندگی انسانها برمی گردد دارای تأثیر

بیشتری در سبک زندگی میباشند. به عبارتی دیگر در باب سبک و روش زندگی تنها وجود ابزارها کافی نیست، بلکه کیفیت تحقق اهداف زندگی بر اساس آموزه های اسلامی مهم است. در این زمینه همه امور جامعه به ویژه مسایل سیاسی و فرهنگی باید بر این اساس باشد اما متأسفانه با رواج فرهنگ غربی جامعه دچار انحطاط و اختلال در محتوا گشته است تا جایی که امروزه شاهد حتی نفوذ قوانین غربی در کشورهای اسلامی هستیم و تازمانی که این فرهنگ مهاجم و ویرانگر را از خود نرانیم و روی به باورهای اصیل بومی و اسلامی نیاوریم در تشکیل تمدن اسلامی دچار مشکل خواهیم بود.

نتیجه و پیشنهاد

بررسی های انجام شده در این مقاله بیان میکند که فقه معنایش آن دانش و مجموعه مسائلی است که کاشف از شریعت است. در این پژوهش بعد از بیان نقش تنها برخی از فقهاء و اعظام بزرگ شیعه از جمله علامه سید مرتضی (ره) و شیخ طوسی (ره) و ابن ادریس (ره) و امام خمینی (ره) که در سیر صعودی دانش فقه در باروری تمدن اسلامی نقش و تأثیر، به سزایی داشته اند اشاره شده، سپس بر اساس این پژوهش اختلافات و ترویج سبک زندگی غربی به عنوان دو عامل مهم جزو موانع تحقق تمدن نوین اسلامی بیان شده است.

در پایان پیشنهاد میشود با توجه به این که فقه میتواند با توجه به موقعیت و شرایط جامعه، پاسخی مطلوب به نیازهای جامعه داده و در این راستا، ضمن ارائه قوانینی به بهبود جامعه و همگرایی جامعه و باروری تمدن اسلامی کمک کند، دیگر شاهد قربانی شدن بعضی مقررات اسلامی در برابر مقررات غربی نباشیم و در این زمینه با تشریح اسباب و علل توقف و عقب ماندگی خود، انشاءالله در رفع آنها گام برداریم.

وسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

1. قرآن کریم .
2. ابن فارس، احمد، مقائیس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، 1404 ق.
3. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ج اول، بیروت، دار صادر، 1424هـ.
4. القمی، میرزا ابو القاسم، (معروف به میرزای قمی (ره))، قوانین الأصول، چاپ قدیم.
5. ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی؛ چاپ سوم، قم، نشر معارف، 1384.
6. قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، 1385 تهران نشر سایه، چاپ دوم.
7. عمید، حسن، فرهنگ عمید، نشر فرهنگ اندیشمندان، تهران، چاپ اول، 1388.
8. یوکیچی، فوکوتساوا، نظریه تمدن، ترجمه: چنگیز پهلوان، چاپ دوم، تهران، نشر گویو، 1379.
9. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1359.
10. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ دوازدهم، صدرا، تهران، 1362 ش.
11. کاشفی، محمد رضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی؛ چاپ دوم، انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، قم، 1387 ش.
12. دوانی، علی، مفاخر اسلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، 1363 ش.
13. گلی زواره، غلامرضا، جغرافیای جهان اسلام، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، 1385، قم

